

به سبک دانشجو

۶

ماهنامه‌ی فرهنگی، سیاسی، اجتماعی
بسیج دانشجویی پایگاه پزشکی

شماره ششم

بهمن ماه ۹۴

اندر حکایات مناظره بنده حقیر با یکی از دواعش

« سردبیر

۱ | سکانس اول

عرب بادیه نشین را به زنا و فحشا متهم کردند اما با نزول آیاتی از سوره‌ی نور پاک دامنی عایشه و آن مرد اثبات شد. ساکت شد ... به عبارتی last seen recently!!!!
برایش حدیثی معتبر از صحیح مسلم (از معتبرترین کتب اهل سنت) گذاشتم ... متن حدیث چنین بود: و کان علی رضی الله عنه هو المحق فی تلک الحروب ... صحیح مسلم بالشرح النووی - جلد ۱۸ - صفحه ۱۶ - می دانید چه جوابم داد؟؟؟؟؟ گفت پس چرا در شبکه فدک در سالروز وفات ام المومنین جشن و شادی می کنید و با شور و شغف نغمه‌ی عایشه فی النار را سر می دهید؟؟؟؟ ... معلوم بود کار از کار گذشته و یاسر الحبيب در شبکه تفرقه افکنش بدعتی تازه به نام شیعه به خورد این زبان بسته ها داده (یاسر الحبيب مدیر شبکه جهانی فدک داماد مجتبی شیرازی برادر صادق شیرازی و از نزدیکان به بیت اوست). در جواب حدیث امام صادق (ع) را نقل کردم که فرمود: یا شیعتنا ... کونوا لنا زینا و لا تکنوا علینا شینا ... و یاسر الحبيب! را تلویحا مصداق ابروریزی شیعه معرفی کردم. در جواب گفت ... (باقی در سکانس دوم ...
(Coming soon!!!)

#مطالعات دینی خود را افزایش دهید.

#وَحِلَّتْ شِيعَةُ وَ سُنَى

#مفلسات برادران عزیزتر از جان اهل سنت

مان را با منطق و استدلال و اخلاق اسلامی

نقد و بررسی کنیم

#توهین به مفلسات اهل سنت ممنوع و حرام

چندی پیش در شبکه مجازی تلگرام هنگامی که در حال چک کردن کانال اخبار گروه داعش بودم ناگهان چیزی به ذهنم خطور کرد ... گفت و گو با ادمین کانال ...

اسم طرف علی علی بود و اهل لیبی ... به قول خودش از الدولة الخلافة الاسلامیه فی مغرب الاسلامی ... عکس پروفایلش هم عکس قبه الصخره بود (همون مسجد معروفه که همیشه تو تلویزیون به اشتباه به جای مسجد الاقصی نشونش میده!!!)

معلوم بود واقعاً طرف جهادی است. پس از اینکه با زبان عربی عقیده‌ی خودم را به عنوان یه بچه شیعه بیان کردم بدون هیچ فوت وفتی و سلام و علیکی پرسید: «لماذا تسبون ام المومنین عایشه؟» ... چرا عایشه بنت ابی بکر را لعن می کنید؟ ... به عمق فاجعه پی بردم ... گندکاری های امثال یاسر الحبيب و بیت شیرازی ها کار خودش را کرده بود و در ذهن این جوان چنین فکری نهاده شده بود که شیعیان همسر پیامبر را لعن می کنند ... به زبان شکسته بسته عربی به او گفتم که ما شیعیان او را لعن نمی کنیم بلکه به بعضی از جهت گیری ها و تصمیم گیری های او معترض جدی هستیم من جمله خروج او و ناکثین (عهد شکنندگان) بر ضد امام وقت و خلیفه چهارم اهل سنت و جماعت در واقعه جنگ جمل ... لیکن به ماجرای افک اعتقاد داریم و او را مبری از زنا و فحشا می دانیم (ماجرای افک واقعه ای است که در آن منافقین طی وقایعی که شرح آن از حوصله خارج است عایشه و یک

«اندر حکایات

مناظره بنده با

یکی از دواعش

«از رسالت

یک قاب

«پرده

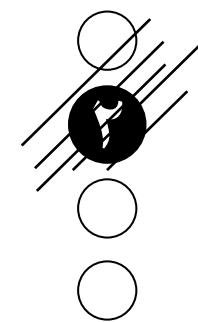
دودی

«اینستاگرام

ویاتی

«کی بود؟ کی

بود؟ من نبودم!



از رسالت یک قاب

پردهای از رسالت و اصالت هنر هفتم

«عذرا رشیدنژاد»

که جهان آینده بر دامن آنان به بار می‌نشیند. اما ... آن چه امروز در پیرامون خود شاهد آنیم، چقدر به هنر اصیل و مسئول نزدیک است؟ پردهای که نقش زندگی‌های لوکس، خانه‌های مجلل، انسان‌های بی‌دغدغه، زنان زیبا و روابط سطحی، بخشی از هویتش شده؛ پردهای که آن قدر از سناریوهای آبکی دل‌زده است، که نمایش معدود آثار شریف، خوب در خاطرش می‌ماند؛ پردهای که دلش برای سالن‌های پراز جمعیت تنگ شده؛ پردهای که حالش از بی‌اخلاقی و دود سیگار و رژ لب و بوی ادکلن فرانسوی به هم می‌خورد ... پردهای که ... شعارزدگی گرچه خوب نیست، زندگی بی‌شعار هم ممکن نیست. چرا که همین شعارها شعور انسان را بالنده می‌کند و روح تعادل و انسانیت را در او می‌دمد. دست‌روی‌دست‌نمی‌گذاریم. امید اندکی داریم به وقفه در جریان قبح‌زدایی، و برای تحققش قلم خواهیم زد.

دارد مخاطبش را از روزمرگی‌ها جدا کند، درون دنیای دیگری پرتابش کند، با غم‌ها و شادی‌های روایتش، اشک و لبخند بر چهره‌ی مخاطب بنشانند، و ساعتی چند، تمام فکر و قلبش را تسخیر کند. البته که این سلطنت، بها دارد. مسئولیت دارد و تعهد؛ این هنر مسئول است نسبت به خانه‌ای که مخاطب خود را میهمان آن می‌کند. اصالت و رسالت چنین هنری را، شاید بتوان در واژه‌ای گنجاند: «سازندگی»! ساختن بنیادهای فکری جامعه، به ویژه زنان،

هنر، اصالتی دارد و رسالتی. هنر اصیل و ناب، چشمه‌های وجدان و تعهد بشری را به جوش می‌آورد. و ارزش هنر به همین تپش و انقلابی است که در فطرت انسان‌ها ایجاد می‌کند. هنر مسئول، نه فقط ویتترین تفکرات یک ملت، بلکه انگیزاننده و جهت‌دهنده به اندیشه‌هاست. سازنده و فعال است، نه مصنوع و منفعل. و این رسالت هنر است که در هیاهوی دردها و مشکلات، راه حل ارائه کند. و هنر هفتم: «آینه جادو»یی که قدرت

پرده دودی

گذاری در حوالی هنر هفتم

«زهره امادادی»

القا نکنند و تمام فضای فیلم آکنده از سیاهی و بدبختی و ناامیدی نباشد، یعنی واقع‌گرایانه و در زمینه‌ای از امید به بیان مشکلات بپردازند نه به شکل سیاه‌نمایی. این دو شکل بیان دو نتیجه متفاوت خواهند داشت، اولی به رفع مشکلات کمک می‌کند و دومی پررنگ کردن مشکل و القای ناامیدی و حتی ریخته شدن قبح بی‌اخلاقی‌های نشان‌داده‌شده در فیلم را به دنبال دارد. مطلب دیگر، نوع روابط خانوادگی در فیلم‌هاست. بررسی اجمالی فیلم‌های دهه ۸۰ و ۹۰ نشان می‌دهد در اغلب فیلم‌های به‌اصطلاح خانوادگی، اعضای خانواده به خصوص همسران در روابط خود دچار درگیری و مشکل هستند. در یک بررسی که بر روی یازده فیلم که در سال‌های ۷۸-۸۸ مستقیماً به روابط همسران پرداخته و بیشترین اکران را داشته‌اند، صورت گرفت، نتایج قابل‌تأملی به دست آمد: در ۶۳٪ موارد، فیلم با طلاق، تلاش برای طلاق یا ادامه زندگی با نزاع به پایان می‌رسد و البته در ۱۲٪ موارد هم با شکنجه و قتل همسران. در این فیلم‌ها بیشتر زمینه افکار فمینیستی دیده می‌شود تا افکار اسلامی و اخلاقی. به راستی اخیراً چند فیلم به منظور بهبود روابط خانوادگی به صورت اصولی در سینمای ایران ارائه شده‌است؟ فیلم‌هایی که به بیان مشکلات خانوادگی پرداخته‌اند چه پیامی را به مخاطبان خود عرضه کرده‌اند؟ مخاطبان با دیدن این فیلم‌ها بیشتر به فکر تحکیم خانوادگی خود افتاده‌اند یا به جست‌وجوی بیشتر برای پیدا کردن مشکل؟

کوتاه سیگار کشیدن لیلا حاتمی در این فیلم درجه سخت‌گیرانه PG-۱۳ را از انجمن درجه‌بندی فیلم‌ها در آمریکا دریافت کرده‌بود. منظور از چنین درجه‌بندی این است که فیلم جدایی نادر از سیمین شامل صحنه‌هایی است که برای افراد زیر ۱۳ سال مناسب نیست و افراد زیر ۱۳ سال باید به همراه والدین یا فردی که بالای ۱۸ سال دارد وارد سالن سینما شوند. درجه‌بندی سخت‌گیرانه برای فیلم‌های هالیوودی سال‌هاست که اجرا می‌شود و همین نظام رتبه‌بندی سبب شده تا صحنه‌های سیگار کشیدن در فیلم‌های هالیوودی کاهش چشم‌گیری پیدا کند. شاید عده‌ای این قوانین را دست‌وپاگیر و محدودکننده فیلم‌سازان بدانند اما باید توجه داشت که سینما نقش مؤثری در شکل‌گیری رفتارهای نوجوانان و جوانان دارد و به نظر می‌رسد جلوگیری از تبلیغ و ترویج مفاهیم ضد ارزشی و ضد اخلاقی که سلامت جسم و روح جامعه را به خطر می‌اندازد منطقی باشد. حال چه این قانون در آمریکا وضع شود چه در ایران. آنچه در ایران باید بیشتر مورد توجه قرار گیرد، اجرای این قوانین در سینماست. گاهی هم با فیلم‌هایی مواجه می‌شویم که هیچ حرفی برای گفتن ندارند جز حرف از ناامیدی و بدبختی و بی‌اخلاقی در جامعه. اسمش هم می‌شود بیان مشکلات اجتماعی. درست است که نشان دادن مشکلات و پرداختن به آن‌ها از رسالت‌های سینماگران است؛ اما نباید فراموش کرد پرداختن به این موضوعات، مشکلات جدیدی را به وجود نیاورد. عمده مردم برای گذراندن اوقات فراغت به سینما می‌روند و حداقل انتظارشان این است که وقتی از سالن سینما بیرون می‌روند حالشان بدتر از وقتی نباشد که وارد شده‌اند. اما به لطف بعضی فیلم‌ها تماشاگر چیزی جز ناامیدی و هجوم افکار منفی و بدبینی به دست نمی‌آورد. هنر سینماگران این است که در عین نشان دادن مشکلات و معضلات جامعه، آن‌ها را به مخاطب

جشنواره فیلم فجر نزدیک است و بازار سینما داغ‌تر از همیشه. شاید بد نباشد در این زمان که صحبت از فیلم و سینما بیش‌تر به گوش می‌رسد، ما هم نگاهی اجمالی داشته‌باشیم به وضعیت محتوای فیلم‌های سینمایی ایران از سال‌های نه چندان دور تا به این زمان. در فیلم‌های ایرانی و البته در نگاه غالب مردم ایران، سیگار کشیدن و استعمال دخانیات امری نکوهیده است و سیگار کشیدن در فیلم‌ها اغلب برای نشان دادن کاراکترهای منفی استفاده می‌شود، اما در این میان در تعدادی از فیلم‌ها سیگار کشیدن امری طبیعی (به عنوان یک خصوصیت عادی) یا برای رهایی از تنش‌های عصبی و نشان دادن آشفتگی شخصیت فیلم جلوه داده می‌شود. متأسفانه بازیگران ایرانی هر ساله بیش‌تر از سال قبل در فیلم‌ها سیگار می‌کشند. این آمار در فیلم‌های تولیدی در سال ۹۰، ۴۸ درصد و در سال‌های بعد به ترتیب ۶۱ و ۸۰ درصد بوده‌است. در سی‌ودومین جشنواره فیلم فجر از ۴۵ فیلم جشنواره ۳۶ فیلم، سیگار دود می‌شود. با این وضعیت نباید انتظار داشت قبح سیگار کشیدن در جامعه کمتر نشود. بد نیست بدانید طبق قانون، تبلیغ اقلام و کالاهایی که مصرف آن‌ها مبین نمایش رفتارهای پرخطر است؛ مانند مصرف فست‌فودها و فرآورده‌های غذایی صنعتی و استعمال دخانیات اعم از قلیان و سیگار نیز ممنوع است و نمایش استعمال و مصرف این کالاها و اقلام در رسانه‌های عمومی، باید منحصرأ محدود به نقش و کاراکترهای منفی بوده و جنبه تبلیغاتی نداشته‌باشد. شاید برای شما هم جالب باشد که بدانید فیلم «جدایی نادر از سیمین» به دلیل صحنه

باتوجه به افزایش روزافزون آمار طلاق در کشور نیاز به تولید فیلم‌هایی با رویکرد تحکیم خانواده بر مبنای ارزش‌های دینی و اجتماعی، بیش از پیش احساس می‌شود. اما انگار سینماگران مشکلات دیگر را در اولویت می‌دانند. در نهایت اینکه سینما نشان‌دهنده فرهنگ و بینش افراد یک جامعه است و البته می‌تواند تغییردهنده آن باشد. در عین حال که سینماگران تلاش دارند رفتارها و باورهای غلط جامعه را از بین ببرند باید توجه داشته‌باشند که فیلم‌هایشان زمینه‌ای برای تخریب فرهنگ و باورهای صحیح را به وجود نیاورد.



hasan.rahimpour



❤️ 1,078 💬 129

هشت ثانیه یک تجاوز جنسی توام با خشونت، در جامعه‌ای رخ می‌دهد که آزادی جنسی وجود دارد، پس این آمار چیست؟! این پدر جدّ حرص است. هر هشت ثانیه یک تجاوز جنسی با خشونت! آن فلسفه که می‌گفت اگر منع کنی و جلوی پیش را بگیری، بدتر می‌شود، کجا رفت؟ بله! اگر بدون توضیح و با افراط و عدم تعادل، جلوی هر نیاز طبیعی را بگیریم، شورش رخ می‌دهد، اما با رعایت تعادل و اخلاق، چه اشکالی دارد؟ این مثل خط‌قرمزهای ما در دیگر در عرصه‌های زندگی است. اگر در اقتصاد و سیاست و قوانین مدنی، خط قرمز می‌پذیریم، چرا در حوزه رفتار جنسی، خط قرمز نداشته باشیم.

برخی‌ها دارند توصیه‌هایی به ما می‌کنند که نتیجه‌ی آن را، پنجاه سال دیگر، نسل بعد از من و شما خواهد دید. جامعه موش آزمایشگاهی نیست. اینچور نیست که بیست سال یک‌جور عمل کنیم و بعد از آن اگر نسل خراب شد، بگوییم برمی‌گردیم و درستش می‌کنیم، نه! دیگر نمی‌شود.

حتی اگر فارغ از دین و اخلاق هم بخواهیم باندیشیم، انسان وقتی از حالت تعادل خارج شد و دنبال راه‌های غیرانسانی و غیرطبیعی رفت برای ارضاء شهوت، دیگر کم‌کم از همان راه طبیعی و معمولی هم ارضا نمی‌شود.

بعضی‌ها می‌گویند اگر مسأله حجاب را به حال خود رها کنید، خودش کم‌کم طبیعی می‌شود. آیا به نظر شما این استدلال درستی است؟ آیا این یک استدلال عقلی است؟ شاهد مثال خارجی و استقرایی هم برای آن داریم؟ آمار جامعه‌شناختی به نفع این ادعا داریم؟

یک جمله‌ای هم مشهور شده که «انسان حریص علی ما منع» یعنی انسان را از هرچه منع کنی، به آن حریص می‌شود. برخی می‌گویند این حدیث است، ما که یک هم‌چنین حدیثی تابه‌حال ندیده‌ایم، از دهان همه می‌شنویم اما نفهمیده‌ایم که این حدیث کجاست ... اگر هم این حدیث باشد، فقط یک جمله توصیفی است که بیان می‌کند اگر انسان از چیزی منع شود، به آن تمایل پیدا می‌کند و حداکثر یک توصیف روان‌شناختی از انسان است و از آن توصیه یا حکمی بیرون نمی‌آید. اگر معنی این جمله این باشد که هر نوع منع و حدگذاری، بیشتر به فساد دامن می‌زند و نتیجه عکس می‌دهد، پس این حرام‌وواجب‌های شرع از کجا آمده؟ با این فلسفه، نه تنها حدود دینی، بلکه تمام حدود مدنی و اجتماعی را هم باید برداشت، یک نفر می‌تواند بگوید، چراغ قرمز را بردارید، چون اگر باشد، من بیشتر تحریک می‌شوم که از آن رد شوم! الان در آمارهای رسمی که خود غربی‌ها می‌دهند، مثلاً در هر



۶

به سبک دانشجوی

Instagram on pathy!

کی بود؟ کی بود؟ من نبودم!

رضا اشعری

چند وقت پیش‌ها درست موقعی که مسائل آموزشی با مسائل سیاسی - توسط یکی از مسئولین دانشگاه - به هم گره می‌خورد ایشون با به‌کاربردن جملاتی تأمل‌برانگیز و حاوی ابهام در خبرگزاری‌های معلوم‌الحال موجبات تأمل و بعضاً تأسف ما رو فراهم کردن. بعد از این اظهارات ۱۳۷ نفر از بسیجیان معدل «الف» و برگزیده در نامه‌ای خطاب به رئیس دانشگاهمون درخواست داشتند تا فضای علمی‌ای که باید وجود داشته باشه رو بر جو دانشگاه حاکم کنند. این را بذارید کنار اینکه ابتدا سخنان این مسئول در خبرگزاری ایسنا قرار گرفت و بعد از چند ساعت اون قسمت‌های انتهای سخنان ایشون که بار معنایی جالبی نداشت حذف گردید!!!! بدون عذرخواهی!!!

حالا کار نداریم اینکه اون تیکه از صحبت‌ها چی بود؟ حذف شدنش یعنی چی؟ اصلاً برای چی باید حذف بشه؟ مگه مشکلی داشته اصن؟ ولی نکته بسیار تعجب‌برانگیزتر!! اقدام جالب و شاذ از طرف «نمیدونم کی» بود!! فقط میدونم که یکی از نیروهای خدوم دانشگاه که خودش رو از حوزه ریاست معرفی می‌کرد و با شماره‌ای از حوزه ریاست زنگ می‌زد رو مأمور کردند تا به تک‌تک این ۱۳۷ نفر زنگ بزنند و صحت و سقم امضا را در بیاورند. اولاً باید عرض کنم این توهین بزرگ را بر مسئولین امر میبخشیم زیرا با این عمل، غیر مستقیم بسیج را دروغگو خطاب کردن و امضاها و اسامی را من درآوردی دونستن و گرنه چه توجیهی داره که به تک‌تک افراد باید تماس گرفته بشه؟

ثانیاً حالا اشکالی نداره اگه به ما اعتماد ندارید و ما همیشه آدم بده قصه هستیم.

داریم کم‌کم عادت می‌کنیم و این نوازش برامون داره یه امر طبیعی از سمت‌وسوی مسئولین تلقی می‌شه اما تعجب‌آورتر از اون ایجاد هراس در دل این دانشجویان و درخواست احضار آنان به حوزه ریاست بود!!! آخه اینو کجای دلم بذارم؟ این چه رفتاریه آخه؟

ازون جا که با بنده نیز در این باره تماس حاصل شد برای چند لحظه احساس کردم که شاید قتلی!! کشتاری!! چیزی!! به‌راه‌انداخته‌ام که مستحق این تماس تلفنی هستم!!! گویا مسئولین عزیز می‌خوان با فرافکنی و ایجاد رعب و وحشت در دانشجویان، ترس یک دانشجوی معصوم و دغدغه‌مند و انقلابی رو پیراهن عثمان کرده و هر روز در بوق و کرنا کنند که بله!!! دیدید؟ ما کسی را پیدا کردیم که راضی نبود اسمش در نامه باشد!! ولی سرخود و بدون اجازه اسمش رو زدن. ای لا اله الا الله!!! چرا هیچ‌وقت نمی‌گین چرا صحبت‌های آن مسئول محترم از توی خبرگزاری‌ها حذف شده بعد شروع کردین به زنگ زدن به این و اون؟ الان دنبال چه هدفی هستین؟

ثالثاً، اگر زنگ می‌زنید حداقل بپرسید از این موضوع خبر دارید یا نه؟ نه این که هزار بار سین جیم کنید و بعدم اصول دین بپرسید و اونقدر بالاوپایین کنید تا من نوعی بگم مگه چی کار کردم که شایسته‌ی این سوالات هستم؟



صاحب امتیاز: بسیج دانشجویی دانشکده پزشکی، دانشگاه علوم پزشکی مشهد
مدیر مسئول: رضا اشعری / سردبیر: طاهای شرفیان / صفحه‌آرا: آرمان معین راد
مسئول توزیع: شهاب هاشمی / هیئت تحریریه: نفیسه رحمانی، عذرا رشیدنژاد، زهرا کوثری، زهره امامدادی، علیرضا پیوندی، طاهای شرفیان، امیرمحمد طهماسبی، علیرضا عمران‌زاده، امیررضا جوشنی، محمد محمدیان / ویراست: محمدحسین یکتا، امیرحسین اخوان

ماهنامه‌ی فرهنگی، سیاسی، اجتماعی
بسیج دانشجویی پایگاه پزشکی
شماره مجوز: ۴۵۴/ک/ش

بهبود دانشجو

رابعا، الان آخر سر حوزه ریاست راست نمی‌گه یا اون بنده‌خدایی که به ما زنگ زده؟ چرا تکلیف این قضیه رو مشخص نمی‌کنید؟ چه تضمینی برای امنیت دانشجو وجود داره که با یک مطالبه ساده همچنین واکنشی از بدنه دانشگاه باید ببینیم؟ عامل ایجاد رعب و ترس کی بود بالاخره؟

با پیگیری‌های مسئول محترم بسیج دانشجویی از تماس‌ها، حالا همه ماست‌ها رو کیسه کرده‌ان و هیچ‌کس تماس‌های تلفنی را به گردن نمی‌گیره!!! ای بابا!!! چه طور موقع تماس تلفنی خوب تهدید می‌کردید و اراعتان در نوک حمله کنار علی دایی بود حالا دارین به هم نگاه می‌کنید؟ پیدا کنیم پرتقال فروش را؟

آخر مگر شماره تلفن شخصی که با ما تماس گرفته است ثبت نشده؟ اگه نشده بدیم خدمتون!!! مگر خود را عامل حوزه ریاست معرفی نکرده است؟! چه طور که حالا نه کمیته انضباطی زنگ زده!!! نه حوزه ریاست!!! و نه حراست؟ بفرمایید پیاز فروش سر کوچه ما بوده است احتمالا:

خواهشاً مسئولین محترم که مدعی ایجاد چند صدایی هستند، با بستن دهن مخالفین و ارباب اون‌ها خلاف وعده‌هاشون عمل نکنند.

جناب آقای دکتر مصطفی مهرابی بهار عزیز، استاد گران‌قدر، تنفیذوتفویض‌ها در حوزه دانشگاه ره به‌جایی نبرده‌است. تابه‌کی صدای دانشجوی انقلابی باید در نطفه خفه شود؟ آیا منتظر بخش‌نامه از طرف وزیر هستید؟

استاد انقلابی ما، سخنان مقام معظم رهبری را نیز باید در قالب بخش‌نامه نوشت تا لازم‌الاجرا باشند؟

استاد انقلابی ما، چرا با حضور یک فتنه‌گر در دانشگاه معاونین شما در سالن برای خوش‌آمدگویی به خط می‌شوند؟ خوش‌ویش جانانه می‌کنند؟ درحالی‌که اخیراً در هیییچ مناظره‌ای شرکت نداشته‌اند؟

غمم از سینه برون است و گدازان لیکن
غم‌خوار نیافتم در این صحن و سرا